info@payamdaily.ir

هفته‌نامه فرهنگی و اجتماعی

پیام امروز

شماره ۸۷۷
جلد ۱۴
۲۲ آذر ۱۳۹۸
۱۲ ربیع الثانی ۱۴۴۱
16 / Dec / 2019

صاحب امتیاز: نویسندگان آندیشه زمان
مدیر مسئول: محمود حیدری سردبیر: دکتر هنری
سامی گرج نواز، حقوق، جدال در فرهنگ، جنبه کلون گذ سنتان، سنتی در آکسری
تلفن: ۴۲۵۳۴۸۴۸ - ۴۲۵۳۴۸۴۳ - ۰۴۰ فکس: ۴۲۵۵۳۴۳۸
فکس آسیرنی نماه آسیا: ۸۹۷۸۶۷۴۹ - ۰۲۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۴۰۱۶
حق کار گرم

امروز با حافظ

این نقطه سیاه که آمد مدار نور
عکسیست در حدیقه بینش ز خال تو

در بیش شاه عرض کدامین جفا کنم
شرح نیازمندی خود یا ملال تو

حافظ در این کمند سر سرکشان ببست
سودای کج مبر که نیابند مجال تو

رسوای عالمی شدم از شور عاشقی

ترسم خدا نخواسته رسوا کنم تو را

فروغی‌بسطامی

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۳۳	۰۶:۵۲	۱۱:۵۵	۱۶:۵۶	۱۷:۱۵

زندگی کشف خود نیست، ساختن خود است.

جرج برنارد شاو

گفت‌وگوی اختصاصی

وقتی یک برند به دنبال نوآوری است؛

خوش‌مزگی، خوش‌قولی و خوش‌برخوردی در «خوش کیک»

فرزانه یوسفیان – اولین بار سرتیتر روزنامه برای‌من از «خوش کیک، کیک سفارش داد» از سبکی مواد استفاده شده در کیک و طعم متفاوت حرفه گفت. بی‌صبرانه منتظر بودم کیک به دستمان برسد. مبادی بود در برفدک عصر به جلال برویم و کیک بخریم. با دستی مخصوص خص کیک بسته رسید. طعمی دلنشین که با تمام کیک‌هایی که تا آن روز خورده بودم، متفاوت بود. قطعا همین تفاوت است که آدمی را ترغیب می‌کند برای دومین بار، نخستین بار و صمیمی بار از بردی سفارش بدهد که «خوش‌مزگی، خوش‌قولی و خوش‌برخوردی را سرمشق‌ساز کار خود قرار داده باشد. نسمه فوریس مهر با ۳۹ سال سن، موسس برند خوش کیک دارای قوی اینستاس بعده دام از دانشگاه تهران، از سه سال پیش فعالیت خود را در رسید بحث کیک شروع کرده است و اصور نوشته در پس بسیاری از ساکنان شهر کوچ، نام برند خود را مطرح و در سر زبان‌ها بیاندازد. با او گفتگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

سروع فعالیت کیک برای نان از چه زمانی است؟

حدودا سه سال پیش به دنبال علاقه شخصی شروع به پخت کیک کردم و با تجربه و آزمون و خطا توانستم دستورهایی به دست آورم و دارد این حرفه شدم. چون آدم کمال گرایی هستم به تمال این سودم که همان چند کیکی هم که می‌پز داریم بهترین باشند. اندکی کار با ۷ کیک و طعم شروع کرد، پیو و به مور زمان کارمان را روق دادیم.

ارسال کیک برای مشتری در کوچ اتفاق خوبی بود. این ایده چگونه به ذهن‌تان رسید؟

سه فصل اخترم کار به بهترین نحو بودم. آن هم در کوچ که سرویس فروشی‌های خوبی نیز دارد و رنبرد هستند و من باید کاری را انجام می‌کردم تا نتوانم سا آن‌ها رقابت کنم. برای رقابت ترسیت باید ایتیازهایی به مشتری‌ها ارائه می‌دادیم و ارسال کیک برای مشتری یکی از امتیازهای حرفه ما بود و برای اینکه مشتری احتمالش جلب شود، هزینه را بعد از دریافت کیک پرداخت می‌کند.

تفاوت کیک‌های سنتی با کیک های سرسرویس فروشی های سطح شهر در چیست؟

تمامی کیک‌های ما پخت روز هستند و باتوجه به سفارش مشتری در همان روز پخته می‌شوند. هر کیک برای خود یک پروژه جداگانه و ما به سفارش مشتری است و حداکثر چند ساعت بعد از پخت به دست مشتری می‌رسد و آماده سرو است.

در خصوص نیم خوش کیک توضیح دهید؟

کار عمده در پخت، آمادسازی و پخش را خودم انجام می‌دهم و لازم است توضیح دهم که در شرایطی کیک های همسرم بوده و هست. آشنه که چند سروری کمالی دیگر هم همراه من هستند.

آینده کاری‌تان را چگونه می‌بینید؟

حداوسکر با برخوردهایی که از مشتری‌هایمان می‌گیریم بسیار خوب است. همیشه سعی می‌کنیم مشتری‌هایمان را راضی نگه داریم و بهترین کیک‌ها با بهترین کیفیت را در اختیارشان قرار دهیم. نسم کیکمان را خوش انتخاب کردیم چون به دنبال این بودیم که چند ویژگی خوشمزگی، خوش قولی و خوش برخوردی را همرمان داشته باشیم.

و به تمال آن هستیم در آینده‌ای به چشان دور کار گام‌برگیری به همراه سروهای بیشتری، اگر تشاری کنید و میتوانید روی برند کمک کنید کوچ در تمام نقاط شهر ماشین های پخش ما رابینید.

سخن آخر...

اگر به کاری علاقه دارید حتما انجام بدهید و بترسید. هیچ وقت و در هیچ شرایطی، حتی با وجود مشکلات اقتصادی و خانوادگی جامعه کنونی، نباید رویاهایتان بکشید. همیشه یک راهی وجود دارد. سخت است. ولی قابل انجام و هنر دو صرف جمعه با گرید غذایی و کاملا بهداشتی سلفون کشی می‌شود و سبب به بسته بندی‌های غرف برار که از رانات است بار میگرهوی حیبی کمی دارد.

F Yousefianpour@Gmail.com

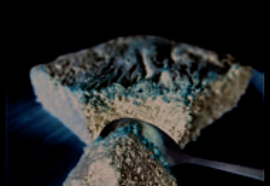

گزارش

بهار در انشای نویسندگان

انشا و نویسندگی توصیف بهار، برای‌شک یکی از مهم‌ترین و کهن‌ترین دغدغه‌های ذهنی و عینی نشریه‌ت در دوران تحصیل بوده‌است، که این عمر بر رشد و تعالی ادب و فرهنگ و تمدن مشری بیر اثرات انکارناپذیری بر جا گذاشته‌است. اخیرا پژوهشگران موفق شده‌اند گونه‌شناختی از انشاهای بهارنده‌ی برخی از چهره‌های معروف این معاصر را کشف کنند که می‌خوانید.

محمد علی جمال‌زاده گونه واضح و سرشار است و هر طبع یک از انشای مشیر پوشیده‌نیست که بهار یک فصل خوب و زیبا و قشنگ و تلطیف و چشم نواز و معتدلی است و طبق عرب آمثل معروف، همانی که نگوست از بهارش پیداست". "سالی که بگویت، ماحرم از رهش بهارش پیدا بوده و این را اتاتول فرانس که حدا غریق رحمتش کند در کتاب معروف خود اشاره کرده و می‌نویسد: «ای بهاری که می‌آیی! به سوی من مل و بر بگشا و بسگی که بگویست همان از تو بیدانست» و شاعر شیرین سخن وعلیه ترجمه‌ی شیراز نیز در همین خیش و بیش می‌فرماید که باشدادش هم جیلی حالا تفاوت بکند نیل و بهار در همین فصل بهار.

صادق هدایت، در زندگی، بهارهای است که مثل خود سرمای زمستان را افشنه افشنه در ملای غم می‌خورد و می‌نوشد. این روای و مرگ تدریجی بسرد و تمدن گرما را نمی‌شود به کسی اظهار کرد چون عموما عساسات دارد. این جلمایی باورکردنی فصل‌ها را خود لفاظات و پیشامدهای عادی و طبیعی بشمارند و اگر کسی بگوید با سوسیت در سیبل عقاید حزی به او به‌حمند آیا روری به اسرار این انقلاب ماوری طبیعی و چوّن، این تعکاس سایه‌ی فشاب و آب شدن برف‌های کوهها و جاری شدن رودخانه‌ها و گرم شدن هوا و خشوش شدن کوسی‌ها و که شدن بالاپوش‌ها پی جوشد برد؟ من فقط به شرح یکی از این تغییر فصل‌ها می‌پردازم که خودم آن را دیده‌ام و معنی محترم از من حیاب است.

شاعر چوبک زمستان بوی جوی‌ها نقاشی چی و انار است نمیو و همه‌ذهنی مرتشت گسنده و بیست بریغال و بیست بارنگی و پوست میوه‌های دیگر دلی بیخ بسته می‌شود ولی در بهار این رنت و رسیل‌هست حرکت می‌کند و هوای برفی آبسخته با نمدی بحار آخرین بودجی عوفیکم زندگی را از زیر سیبل کلفت و سیاهش بالا می‌کشند. در بارگاه‌ها بوی گود و بهر است و فاخترهای مفکی جلیه‌ها بی گل‌ها و درختهای نزار و تنها و سرگردان و مبحت و فلیک زده با بوهای ماجور دیگری مخلوط می‌شود و مشال می‌دهد که بهار دارد می‌آید.

احسال طبری اول بهار، هوا همچنان سرد است. گنند. این اوس، جمعه‌ی سیاه بیدگر زمستان به اردوگاه رحمتشان بهاری بست و آخرین آن هم خواهد بود. چرا که آنسه واضح و سرشار است که مراتب رشد تدریجی نیروهای مولد و تقسیم کار و پیدایش مالکیت خصوصی، تاریخ و طبیعت و جامعه، همواره صعودی کارزار میان سرمایه‌داران و کارگران بوده و در اسحاب رسیل کاپیتالیست در منبع آنسانت سرمایه‌های مربوط به برف و باران، آرمان‌های میانات خلبانه‌ی آب و هوایی بهار را به شیوای غیر انسانی قرقلی کرده و سعی کرد انسان طراز نوین پرورش بنده و آسای ما به سوفجم برسد.

جلال آل احمد صبح است با به تو باترانی و مردم در خیابان‌ها چه مقدماتی بی درسری برای فرنگی مآبی! وجد آسمانی بسته فلان گوشه‌ی سکه دمب... و چه روشنفکرهای جمعه‌ی درست مثل وگن نداد‌ه‌قصبه که می‌آیند و می‌روند و خیلت می‌کنند عداد انسانی سیاهای سنتی ایرانی با نحول و مرفی فرنگ و سرمایه‌ها و مهمیاش همین خیابان و تمدن و بهار و درخت، که می‌سیم خلقت بدارم خاک بر سر مملکتی که زمستان و بهارش آسجوری است، که حرگیتی آرام نیز عینی و فصل خوب گج و کوله - لواهیم. گستنال دو روز بود که زمستان رفته بود. که بهار بود. که بعد از سیل نو بودند. که معلم گفته بود سوسیسه انسا ما در سال جفتک و قنطاج می‌رویم. که نوسیسه انسا از نوی نفتر می‌نویسیم. وقتی که به می‌کنند بوک مداخلی و می‌نوشیمش حرت و حرت و حرت. و کلمات لای ورق می‌لغزد و برمی‌گردد. مثل راه نوی کوچه و بوی رنگی که می‌دود در بستان و سبیستی خلدی همسایه و بر بیر میرود ارز و بلنگ و دلیک و صیادی رنگ مادر می‌گوید «پانتو» می‌گوییم. «عسب» می‌گوید «عصب» و رهسر مار در از مار کش. کوچه‌ماشد روندی و قشنگی بیرون و انشایی داخل.

شهریوش پارسی پور بهار دانست می‌آمد مردم مشغول رد و خورد و کشتن یکدیگر بودند و مردها دانستند این‌ها را نکه بزنه می‌کردند. مرد بد رو می‌گفت «اصلا معنی ندارد این روده سوری، خانه مال زن است، بیرون مال مرد». زن فکرش را فرمان کرد و معرض را عریان کرد و با انجیی حیبی لخت و عریان به مرد گفت «دلم می‌خوای چکار داری؟" او، باید بدنی وسیله از حقوق خفه‌ی خود دفاع می‌بود و میگوشد دیگری معنی بودو بعمیم گردنه بود. حرف بزند. لدک تیدک حیابانها خلوت شد و مردم مشغول تاسف خوردن شدند که قبلا چه زندگی خوبی داشتند و آلان چقدر بدبخت میردن به خلخط رفتند و با گمرسند به جان رنها هنانند و زنان بدون مردان که بعی دانستند چرا کنک می‌خورند حیرت می‌کردند و با ماحت نشخند می‌زنند و عینی برای عصبانیت بعی دیدند و بیفرانی مرتب نجه می‌زیدند و آلی بود انشای ما. راجع به فصل بهار.

رسا برقلبی می‌گیند در توصیف بهار، فقط تفاوت‌های در رفت شلبود. نخبه‌سوط سرد بهای ناچیزه فبل. ورنی که بد. لحیای دوریفه سمرح برنقال! اوهو! اوهو! آن شلنوک بر دم شیر شیر هی دیوته کلنگسور در انسای ما که لهی دورت بکردم. لهی دورت بکردم. ... وجود ای ی. ی.

میر خلال قیس گزاری بهار در دراسای تاریخ آمد و دیولاخ رسنان رفت (اگرچه رفت بایسته نمرده می‌شود ولی در ایسجا رفت به حواب بردیگر نیست) برگ بر فرازی بسیار شاخار. همان گیاهی که مهرنال کهن آن را درخت می‌نامیدند و اکنون هر همان می‌نامند. روبیه. چمن سبزرگ که بنول سبد بر آن بیست و تاب بازی کرده، با فرانی و بازانی، و این بود بستنی‌های ما. مصطفی مسور بهار زیبای من! چه با شاب آمدی! در زدی گفتند. هرو دیگه دیست نمرم. استوسیعی خوم سرم. "آمد برفتی و باز کهنه‌ای در را گوبیدی و با حوت بعن بغل گی و گیاه و تنک و آو و بگه و غرغـال و لای روحانی آبرنی آن قدر که کیفهای من حیس شیت. گفتی دیوستت دارم و رفتی. ناگهان باب از کف دادم و به فشت و نجس آمدم و پاکوبی کردم و سماع کردم و صفا کردم. دیوستت دارم بهار. عشار دیوستت دارم هزار بار دیوستت دارم. سیوچهار هزار و یکصد و بود. ونیش من دیوستت دارم. آخ که هر چه بیشتر بگویم دیوستت دارم. اگر که بیشتر دیوستت دارم I LOVE YOU. کاش تو بودی رسنال بود. کاش تل بنداشتیم. کاش دلت بودم. کاش قیهوات بودم. کاش ربات بودم. کاش جهارهمیمات بودم. ای بهار!

رونا صدر

خبر

گرتا تونبرگ؛ دختر نوجوان سوئدی «شخص سال» مجله تایم شد

گرتا تونبرگ دختر نوجوان سوئدی کنشگر محیط‌زیستی که اعتراضاتی جهانی به بی‌عملی رهبران جهانی در برابر بحران اقلیمی را رهبری کرده است به عنوان «شخص سال» مجله تایم انتخاب شد.

به گزارش پیام آسیا به نقل از سی‌ان‌ان گرتا تونبرگ ۱۶ ساله جوانترین فردی است که تا به حال مجله تایم به عنوان «شخص سال» انتخاب کرده است.

تونبرگ پس از سخنرانی خشمگینانش خطاب به رهبران جهانی در «جلاس کنش اقلیمی سازمان ملل» در ماه سپتامبر در سوییدن که در انتقاد از بی‌عملی‌شان در برابر بحران اقلیمی که در اینترنت فراگیر شد، توجه بین‌المللی را به خودش جلب کرد.

گرتا تونبرگ خطاب به سیاستمدارن ما شما را زیر نظر می‌گیریم.

و بار دیگر کنفرانس COP۲۵ در مادرید در هفته گذشته بار دیگر از رهبران جهانی انتقاد کرد.

لیوارد فلسنتال سرمبر تایم نوشت: خوشبرگ به پرگیرین صدا درباره بزرگترین موضوع روی‌روی سیاره ما و نجسی از دگرگونی گسترده‌تر نسبی در فرهنگ ما است که خود را در هر جایی از پرتریس‌های دانشگاهی در هنگ کنگ تا سازمان‌های کنگره در واشنگتن نشان می‌دهد.»

هر سال، مجله تایم تاثیرگذارترین شخص، گروه، جنبش یا ایده را در ۱۲ ماه گذشته معرفی می‌کند. تایم سال پیش گروه «نگهبانان» Guardians، گروهی از روزنامه‌نگاران که در محل کارشان هدف آزار یا تعدی قرار گرفته بودند، را به عنوان شخص سال معرفی کرد. گروه «شکننده‌گان سکوت»، گروهی از قربانی که پیشگام گزارش سوءرفتار جنسی نسبت به خودشان شدند، را به عنوان شخص سال برگزید.

این سومین سال متوالی است که مجله تایم یکی از رهبران جهانی را برای شخص سال انتخاب نمی‌کند. انگلا مرکل، صدراعظم آلمان در سال ۲۰۱۵ و دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۶ به عنوان شخص سال معرفی شدند. آدولف هیتلر، رهبر آلمان نازی و جوزف استالین، رهبر شوروی نیز در زمان خودشان به عنوان مرد سال مجله تایم برگزیده شدند.

فلسنتال در مصاحبه‌ی در این هفته گفت «شخص سال از دیدگاه ما شخصی است که بیشترین تاثیر را چه خوب و چه بد بر رویدادهای سال گذشته نشته. در واقع به نظر من مجله تایم درباره شخاص و پدیدهایی است که جهان را شکل می‌دهند و شخص سال درباره فردی است که به آن سال شکل می‌دهد.»

فلسنتال در توضیحی شخص سال ۲۰۱۹ در سوی سوییزی Today درباره تونبرگ گفت: «او ۱۶ ماه پیش یک معترض تنها با یک پلاکارد نقشی نشده با دست بود. او اکنون میلیون‌ها نفر در سرتسر جهان در ۱۵۰ کشور را رهبری می‌کند تا به خاطر سیاره ما عمل کنند.»

فهرست نامزدهای شخص سال ۲۰۱۹ مجله تایم شامل دونالد ترامپ، نانسی پلوسی، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا، «هشتگ» Wistleblower، شناسایی که رابطه ترامپ با دولت اوکراین برای اعمال نفوذ در انتخابات آینده رئیس جمهوری این کشور را لو داد و معترضان هنگ کنگی بودند.

در محک، قلب ها از عشق
به یکدیگر می تپند

شعر

تعریف فرم

امید مهین ترابی

فرم در شماره‌های پیشین نوشته به طور احتمالی به زیبایی شناختی و رشد حق تر برداریم و سؤالات نوکک در این باره در بررسی گردید. خلاقیت مفهوم مو کمی بود که برای رسیدن به آن صمیمه گرفته به چند مفهوم عمده محور بپردازم تا حداقلیت را بهتر درک کنید. اولین مفهوم مانه بود و دومین آن که در این شماره آمده فرم است.

فرم در هنر پیوند گاه مفهوم و ماده است که از یکدیگر تفاوت می‌کنند و برای فهم این موضوع از مثالی استفاده می‌کنم. یک مجسمه از مفرغ تشریح شده کوچکترین هنر، آن حرف هستند که مجموع این حروف کلمات را بجاد می‌کنند.

در هنر مانه با مثبال حکیم حروف را در بر و فرم حکیم کلمات را در بر نقطه به بعد سیر کار خیالی است. کیک و مجموع حروفی که در بر به دو کلمه‌ی جوهنم سمه سمار مهم است.

سال‌ها پیش، با محققی در مورد زبان شناسی صحبت می‌کردم. زبان این سؤال و مفرغ فرمت که آن می‌شی وقتی زبان در صباحت بهر رنگی بوده است؟ جواب سمه به زبان بمانو نشاره بود وی در حر زبان نگفته ای، مفرغ کرمت که فق جیبیوی، آن بر بر می‌کشود.

زبان فرمومت که زبان مفرغ شتر کشف شده انگه قر زدای شکل بگیرد و آن پس زبان شکل گرفته باشد. شخصا بهت زند و رهاب فکر رفتیم. حرفشان به فرم کاملا برسند می‌آمد. پس هر مفاهیم وجود داشته تند و هر جمعه‌ی است به وی جود آن و به زبان آن رسیده است حتی شعفی هم، مفاهیم وانه گرفته تند برای تعریف خود.

به این دلیل است که می‌گویم فرم پیوند گاه مفهوم و ماده است.

فرم‌ها به صورت معمول در ناخود آگاه حضور دارند و برای بروز آن باید ناخود آگاه را بشناخت.

در حال حاضر فرم‌ها در مراحل اکلامیک به تداول گذاشته می‌شوند یکی از این صباحت تاریخ هنر است که از فرم‌ها شکل نگرش و نوع نیاز های آن بوده و مورد مطالعه قرار می‌نمیند.

جنبش های هنری با بیشک یک کشر غنترنی و مفهومی بوده است ولی در شکل فرم بروز پیدا کرده‌اند.

تفاوت این نکته صوری است که فرم‌هایی در جهان مطرح شده‌اند که فرم های سیتر شخصی بوده‌اند و موجد مشخصه خطی و مطالعه خیبی یاد خاصی شده‌اند. یکی خدا موجود در مجسمه اکلامیک. پس نیست که مطالعه در آنی نبود قرار فرمت این مسئله برای شناخت فرم خوب است. ما خود دیوز نیست برای شخصی سازی سنت به همین دلیل نیست که فرم‌های جدید حدق بنی شود، فرم‌های پیشین نگرد می‌شود یا اینکه فرم‌های جمعی شکل می‌گیرد که به تنبل بکنر کریی فلک عمق خواهند شد.

تفاوت در هنر جنگ همان زمان، فرد ولتی شماه طبیعی هنر بررسی بیسیم که به وجود گوسیسته هنرمسانه در هنر تلیمنی بهانت فرم را تولید می‌کنند و این چهار مصحابی را مهاشتر می‌نوشد جمود و عمود و عمیم کنید.

برای مثال شما در یک منظره روی یک کوه قرار دارید و در روبه دید شما یک کوه و یک دره قرار دارد.

حال تصور می‌کنید که سمان قلنگی سنت و تمام جزئیات قلل مشخصه هستند. این تصویر یک نمونه از هنر رئالیستی است. حال تصور کنید که دره به این قل اضافه می‌شود در حنال و چیز های دیگر در پرده ای از مهام قرار می‌گیرند. این سر یک نمونه غیر سیلیسی از این تصویر است آنه ای گوه رپس نرهاسیوس سمه است. این بر یک تصویر صحنه‌سیه است حال تاز می‌کرد و در چاله ای آب جمع می‌شود. ضرات انفرات بر روی آب توجیح بحاد می‌کند و تعکس تصویر به تنگ هنسی دیده می‌شود. این بر یک تصویر کوبیسی است و می‌تواند فرم در جنسن های هنری کشف شده و با حتی کشف نشده که در این تصویر قلل مشخصه است.

فرم مفهوم است سیار تعلاف بنیو و سیال که یکدیگر این را شکل می‌دهند و حقیقت شخصی در معمایی نهد. اگر مخاطب بر کی باشد حتی نروع فرم فرم را خواهد خواهید و بدار جنبی مفاهیمی که در آن سوم بیت فرم و شخصی خواهید داد فرم در بهترین وضعیت یک فیلتر شخصی از این برنامه هاست که حقیقت معنی شما را به تصویر می‌کشد حال خود را بیت.